ایران زندگی

بلاتکلیفی در مدیریت شهری ساری همچنان ادامه دارد

شهر ۵۰۰ هزار نفری بدون شهردار و شورای شهر

گزارش «ایران» از مشکلات تعطیلی مهدکودک‌ها و کارکنان و مربیان این مراکز

منتظر شنیدن صدای بچه‌ها هستیم

مهسا قوی‌قلب
خبرنگار

در ماه‌های اخیر برخی مشاغل پس از تداوم شیوع کرونا به‌طور رسمی به تعطیلی کامل کشیده شدند. مهد کودک‌ها از جمله این مشاغل هستند، زیرا از ابتدا این مراکز در معرض مخاطرات شدید ناشی از بیماری و ابتلا و انتقال بیماری توسط کودکان بودند، در عین حال شمار زیادی از خانواده‌ها هم از سپردن کودکان خود در دوران پاندمی به مهدهای کودک امتناع کردند. در نتیجه تعطیلی‌های گسترده مهدکودک‌ها، مشکلات و معضلات مدیران و مربیان مهدکودک‌ها چندین برابر شد هرچند تسهیلات و حمایت‌های مالی از این قشر صورت گرفت اما همچنان مشکلات این دسته از افراد کم نشده است. در این خصوص برخی از کارکنان مهد کودک ها می‌گویند: در شرایط کنونی خیلی از مهد کودک‌ها به دلیل تعطیلات کرونایی باید از جیب خودشان هزینه‌ها را بپردازند و اینکه بیکاری و مشکلات ناشی از آن فشار مضاعفی است که کارکنان مهدها باید تحمل کنند متأسفانه وضعیت معیشتی به حدی سخت شده که برخی از کارکنان به دنبال شغل دیگری هستند.

■ بیکاری و تعطیلی ازدواجمان را به تأخیر انداخت

میترا، ۲۸ سال دارد. تا قبل از شیوع کرونا، بعد از یک دوره آشنایی با پسر مورد علاقه‌اش شروع به تهیه جهیزیه کرد. آنها تصمیم داشتند خیلی زود زیر یک سقف بروند. میترا درباره مشکلاتی که با تعطیلی مهدها برایش اتفاق افتاد به «ایران» می‌گوید: «قبل از کرونا قرار ازدواج گذاشتیم، همه خرید جهیزیه را انجام دادم اما کرونا زندگی‌ام را تقریباً به نابودی کشانده، همان اوایل شروع بیماری در اسفند ماه سال ۹۸ نامزدم، مبتلا به کرونا شد، نزدیک سه هفته سر کار نرفت، بعد از عید عذرش را خواستند. در یک شرکت هواپیمایی کار می‌کرد، اما حالا بیکار شده. وقتی تصمیم به ازدواج گرفتیم هر دو شغل مناسبی داشتیم، درآمد نامزدم خوب بود، من هم می‌خواستم کمک خرج باشم. بعد از مدت کوتاهی اوایل اردیبهشت بود که مدیر مهد صدایم کرد. بنده خدا کلی خجالت کشید تا بگوید دیگر توان پرداخت حقوق پرسنل را ندارد، بچه‌ها هم دیگر خیلی کمتر از قبل به مهد می‌آمدند، طبیعی بود والدین نگران مریض شدن بچه‌ها بودند. بعد از بیکار شدن هر دویمان، دیگر قدرت تصمیم‌گیری برای شروع زندگی نداشتیم، اجاره‌خانه‌ها هم آنقدر بالا رفت و پولی که برای رهن در نظر گرفته بودیم بسیار ناچیز شده بود. جهیزیه من هم در انباری فامیل مانده بود تا اینکه یک‌ماه پیش فامیل دوطرف برایمان گلریزان کردند، حالا پولی جمع شده و می‌خواهیم بدون برگزاری هیچ مراسمی خانه کوچکی اجاره کرده و بالاخره زیر یک سقف برویم، اما هر روز به این فکر می‌کنم حالا که هردو بیکار هستیم چطور می‌توانیم از پس هزینه‌های زندگی بربیاییم.» او می‌افزاید خیلی دوست دارم دوباره بچه‌ها را ببینم وجود آنها در محل کار امیدهای زیادی به زندگی‌مان می‌دهد.

■ دوری از بچه‌ها روحیه‌ام را خراب کرده است

نسترن، ۳۹ ساله یک پسر دبیرستانی دارد و چهار سال پیش به دلیل اینکه همسرش دچار مشکلات روحی شدید شد، تصمیم گرفت کمک خرج خانه شود. به گفته نسترن، همسرش بشدت پرخاشگر، عصبی و به صورت بیمارگونه‌ای شکاک است و فقط به این راضی شده که در مهدکودک مشغول به کار شود. می گوید: همسرم دوست نداشت که در محیط شرکت‌ها و ادارات کار کنم، با اینکه تحصیلات دانشگاهی دارم اما مجبور شدم به خاطر شوهرم در مهدکودک کار کنم. دور بودن از بچه‌ها، محیط خانه و حقوقی که از مهد می‌گرفتم، امید به زندگی را در من دوچندان کرد تا اینکه کرونا آمد و همه چیز را خراب کرد، از اول تیرماه به‌طور کامل بیکار شدم، چرخ زندگی به سختی می‌چرخد، از طرفی همسر شکاکم هم نمی‌گذارد جای دیگری سرکار بروم. از بیمه بابت بیکاری مقداری پول گرفتم که آن هم تمام شده، پدر و مادر من و همسرم مبالغ خیلی جزئی هر ماه کمک می‌کنند، آنها هم توانایی مالی زیادی ندارند، از طرف دیگر در خانه ماندن‌های زیاد، آن هم با حضور همسرم که دچار بیماری روانی است برایم غیرممکن شده و واقعاً نمی‌دانم که چه باید بکنم. او می‌افزاید: از مشکل مالی که بگذریم مشکلات روحی و روانی و بلاتکلیفی خیلی آزارمان می‌دهد ما عادت کرده بودیم که هر روز به مهد برویم و صدای خنده و شیطنت‌های شیرین بچه‌های مردم را ببینیم. واقعاً ارتباط عاطفی با آنها باعث شده بود تا مشکلاتمان را فراموش کنیم ولی مدت‌هاست که تنهایی و تعطیلی مهد کودک خسته و افسرده‌مان کرده است.

■ منتظرم تا درهای مهد باز شود

سعیده هم یکی از مربیانی است که تا اواخر سال ۹۸ در یکی از مهدکودک‌های شمال تهران کار می‌کرد. سعیده به «ایران» می‌گوید: «هر روز از افسریه با مترو و اتوبوس خودم را به مهد می‌رساندم، سرپرست خانوار هستم و از شغلی که داشتم راضی بودم. محیط کارم را هم دوست داشتم، بعد از اینکه کرونا آمد مدیر مهد عذرم را خواست چون هر روز با اتوبوس و مترو می‌آمدم، مدیر گفت احتمال اینکه بیمار شوی و یا ناقل باشی و بچه‌ها را مریض کنی زیاد است. یک هفته با اسنپ آمدم سر کار اما توان پرداخت هزینه‌اش را نداشتم. مگر من چقدر حقوق می‌گرفتم؟ خلاصه که الان چند ماه است بیکارم. از شدت نداری مجبور شدم دستفروشی کنم. نمی‌دانم این وضعیت تا کی ادامه دارد اما بشدت نگرانم. دستفروشی خطرات خودش را دارد، من برای این کار ساخته نشده‌ام، دلم می‌خواهد زودتر این بیماری برود تا بتوانم سرکار بروم.»

■ کم کم فراموش می‌شویم

سعید میرزایی، مدیر یکی از مهدکودک‌ها هم که چند ماهی پس از شیوع بیماری کرونا به‌طور کامل تعطیل شد به «ایران» توضیح می‌دهد: کار در مهد کودک از جمله مشاغلی است که افراد در آن امنیت شغلی ندارند یک دلیل عمده آن هم این است که مدیران مهدکودک هم خودشان امنیت شغلی ندارند. با آمدن کرونا بسیاری از مهدکودک‌ها به دلیل نبود بودجه و حمایت نشدن به تعطیلی مطلق کشیده شدند. هرچند بنا شد وامی به مبلغ ۱۲ میلیون تومان به ازای هر پرسنل با کارمزد ۱۲ درصد از سوی صندوق دولت به مهد کودک‌ها پرداخت شود به گونه‌ای که ۶ میلیون تومان در اختیار مدیر مهد برای پرداختی‌های مختلف و هزینه‌های جاری مهد و ۶ میلیون تومان به مربی تعلق بگیرد. اما به دلیل کارمزد بالای وام و همچنین پرداخت بیمه و حقوق، مدیران مهدکودک‌ها عطای دریافت وام را به لقایش بخشیدند و از خیرش گذشتند. خیلی از مربیان هم با بیکار شدن برای دریافت بیمه بیکاری اقدام کردند، اما تا جایی که من اطلاع دارم بسیاری از این افراد به دلایل مختلف از دریافت مبلغ بیمه بیکاری بازمانده‌اند و حالا بعد از بیکار شدن دیگر نه بیمه‌ای دارند و نه حقوقی.

به گفته او، قبل از شیوع ویروس کرونا میانگین بین ۱۲۰ تا ۱۳۰ کودک در مهد حاضر می‌شدند و تنها چند هفته پس از رسانه‌ای شدن شیوع بیماری، بسیاری از والدین از آوردن بچه‌ها امتناع کردند تا جایی که تعداد حاضرین در مهد کودک به ۱۲ نفر تقلیل پیدا کرد. این تعداد از بچه‌ها هم، فرزندان پزشکان و افرادی بودند که جزو مشاغل دسته اول به شمار می‌آیند و مجبور هستند هر روز بر سرکارهای خود حاضر شوند. با تمام توان سعی کردم مهدکودک را باز بگذارم اما کم‌کم هزینه‌های کمرشکن جاری مهدکودک توانایی ادامه حیات مهد را از من گرفت و تقریباً از اوایل آذرماه به‌طور کامل مهدکودک تعطیل شده است و کماکان هم تعطیل هستیم. تا جایی که اطلاع دارم در منطقه شمیرانات تهران از ۱۵۸ مهدکودک فعال در این حوزه، ۶۸ مهدکودک به طور کامل تعطیل شده‌اند. عده‌ای هم که خودشان مالک هستند، اعلام تعلیقی کرده‌اند.

میرزایی معتقد است: از آنجایی که بنا شده مهدکودک‌ها زیرمجموعه آموزش و پرورش باشند، امیدوارم که مشکلات کاهش پیدا کند، زیرا همچنان فرزندان مشاغل سطح یک بلاتکلیف هستند و کسی نیست که از آنها نگهداری کند، همین قضیه ممکن است سلامتی برخی از کودکان را به خطر اندازد زیرا به دلیل ناقل بودن کودکان برخی والدین حاضر نیستند حتی بچه‌ها را نزد پدربزرگ و مادربزرگ بگذارند و خدای ناکرده با ابتلای آنها به کرونا یک عمر پشیمانی باخود داشته باشند.

محمدی، مدیر یکی دیگر از مهدکودک‌ها هم با اشاره به اینکه بیشتر مهدکودک‌ها استیجاری هستند به ما می‌گوید: خیلی از مهدکودک‌ها به دلیل فشارهای شدید اقتصادی و ناتوانی در پرداخت بیمه، حقوق پرسنل، مالیات، اجاره ملک و هزینه‌های جاری دیگر به تعطیلی کشیده شدند در عین حال برخی سودجویان به دلیل مستأصل شدن والدین درخصوص نگهداری از فرزندان خود و از آنجایی که مشاغل سطح یک دارند و مجبور به حضور در محل کار هستند، با بازگشایی مهدکودک‌های زیرزمینی، فرزندان خود را به مهدهایی می‌فرستند که هیچ تابلو و نام و نشانی ندارند. این دسته از والدین قطعاً راضی نیستند، اما در این شرایط مجبور هستند که جگرگوشه خود را بدون اطمینان خاطر به این اماکن بسپارند. امیدوارم وزارت آموزش و پرورش با در دست گرفتن مسئولیت‌ها و از آنجایی که بودجه جداگانه‌ای دارد، بتواند بهتر از سازمان بهزیستی مشکلات را از میان بردارد.

ایرنا

برش

هر روز به امید باز شدن با مهد کودک تماس می‌گیرم

علی آقا، نگهبان یا به قولی سرایدار یکی از مهدهای پایتخت بود. او هم با گلایه ازبلاتکلیفی خود به «ایران» می‌گوید: «از وقتی مهد [...] باز شد من نگهبانش بودم. عاشق کارم بودم. هر روز با علاقه سرکار حاضر می‌شدم. دیدن چهره خندان بچه‌ها به من انرژی می‌داد. وقتی کرونا شروع شد خیلی از پدرها و مادرها از ترس بیماری بچه‌ها را به مهد نیاوردند، مدیر مهدکودک تا سه ماه نیروها را نگه داشت اما دیگر درآمدی نداشت که بخواهد حقوق را بدهد. من از اولین نیروهایی بودم که اخراج شدم. دو فرزند دارم و مجبور شدم اطراف تهران در یک کارگاه مبل‌سازی مشغول بکار شوم. مسیر اینجا اینقدر دور است که خیلی شب‌ها ترجیح می‌دهم همین‌جا بخوابم، اما چاره‌ای نیست. زندگی خرج دارد. هر دو هفته یک‌بار به امید بازشدن دوباره مهدکودک با مدیر تماس می گیرم. دلم می‌خواهد زودتر به کارم برگردم و از این مسیر طولانی رفت و برگشت به کارگاه نجات پیدا کنم.»

گزارش «ایران» از هشدار مسئولان بهداشت نسبت به برگزاری دورهمی‌های خانوادگی در آخرین شب پاییز

وزیر بهداشت: نگذارید گذر شب یلدا به اندوه طولانی بدل شود

این روزها همه مسئولان وزارت بهداشت و درمان از همه شهروندان می‌خواهند امسال یلدای خود را به دور از هرگونه دورهمی برگزار کنند. آنها معتقدند مردم رعایت نکنند باید منتظر پیک چهارم کرونا باشیم باید دورهمی‌های خانوادگی در شب یلدا کم شود، چراکه برگزاری این مراسم آیینی و سنتی با حضور خانواده و فامیل باعث می‌شود تا دستاوردهای حوزه سلامت از بین برود تا جایی که دیروز وزیر بهداشت با تأکید بر لزوم رعایت پروتکل‌های بهداشتی در کشور و افزایش قدرت سرایت و بیماری‌زایی کرونا گفت: نگرانی فعلی ما شب یلداست، مردم این هشدار را بسیار جدی بگیرند و بدانند دورهمی‌ها بسیار خطرناک است. به گفته نمکی بیش از ۶۵ درصد مبتلایان به کرونا در خراسان جنوبی در دورهمی‌ها مبتلا شده‌اند. البته هشدارهای مسئولان بهداشت به خطرات برگزاری شب یلدا و دورهمی‌های خانوادگی چنان نگران‌کننده است که سعید نمکی با اشاره به شعری از حافظ، گفت: حافظ که شب یلدا به اشعار او تفأل می‌زنید می‌فرماید: در خلاف آمد عادت بطلب کام که من / کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم.

لذا همان‌طور که سیزده به‌در را امسال در خانه نشستید، شب یلدا را هم باید در خانه با جمعیت اندک بنشینیم تا هم شما در سلامت باشید و هم همکاران من در آرامش خیال باشند.

او با بیان اینکه رصد نقشه ایران در زمینه شیوع کرونا حاکی از کاهش رنگ قرمز در بیشتر استان‌ها و تبدیل آن به رنگ‌های نارنجی و زرد است، اما مراقب دورهمی‌ها باشیم افزود: نگذارید، نگذارید گذر شب یلدا برای کوتاه کردن این شب طولانی زمستان؛ بدل شود به اندوه طولانی برای خانواده‌ها و خدایی نکرده بزرگ و پیری را از دست دهیم و مدت‌ها سیاه‌پوش لحظه‌های غفلتمان شویم.

■ دورهمی‌های کوچک هم خطرناک است

خطر میهمانی‌های شب یلدا فرمانده عملیات مدیریت بیماری کرونا در کلانشهر تهران را هم نگران کرده است تا جایی که او با اشاره به دورهمی‌های پیش روی شب یلدا بر مداخلات بیشتر و برقراری اعمال محدودیت‌های جدید با هدف کنترل اپیدمی تأکید دارد وگفته است متأسفانه امسال باید بپذیریم که مانند سایر رخدادهای اجتماعی باید از برگزاری آن به شیوه گذشته خودداری کنیم مردم بدانند که حتی یک دورهمی کوچک در شب یلدا هم می‌تواند به عنوان یک فاکتور بسیار پرمخاطره عمل کند، بنابراین درخواست ما از همه عزیزان این است که امسال شب یلدا را به شکل سال‌های گذشته برگزار نکنند.

وی با اشاره به تغییر الگوی ابتلا و مرگ‌ومیر در استان تهران طی دوره جدید، اظهار کرد: در موج‌های گذشته بخصوص در اسفند ماه به دلیل رعایت و همراهی بیشتر مردم برای مراقبت و حفظ مصونیت گروه‌های پرخطر، بسیاری از سالمندان و افراد دارای بیماری‌های زمینه‌ای و سایر گروه‌های پرخطر از ابتلا مصون بودند، ولی به دلیل کاهش سطح رعایت‌ها در دوره جدید، الان بخش زیادی از آمار ابتلا و مرگ و میرها به سالمندان و گروه‌های پرخطر اختصاص دارد.

زالی توصیه کرد: بنابراین به خصوص به خانواده‌هایی که فرد پر خطر اعم از افراد سالمند یا دارای بیماری‌های زمینه‌ای در بین خود دارند توصیه می‌شود که محدودیت‌های بیشتری در این زمینه اعمال کنند. البته زالی با بیان اینکه بر اساس شاخص‌ها هفته بعد هم تهران نارنجی بوده و محدودیت‌های مربوط به شهرهای نارنجی همچنان ادامه دارد، گفت: با این حال در بیماری‌های عفونی و اپیدمی‌ها با پدیده‌ای تحت عنوان پدیده بازگشت روبه‌رو هستیم. بنابراین همچنان باید شرایط را شکننده تلقی کنیم چراکه هر آن ممکن است این آمار تصاعدی شود.

■ احتمال کاهش ساعت تردد به ۱۸ در شب یلدا

سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا: در صورت تصویب در جلسه امروز؛ در روزهای ۲۹ و ۳۰ آذر فعالیت اصناف (بجز گروه یک) از ساعت ۱۸ و تردد خودروها از ساعت ۱۹ ممنوع می‌شود. به گزارش خبرگزاری صدا و سیما دکتر علیرضا رئیسی، معاون امور بهداشت وزیر بهداشت درباره احتمال کاهش ساعت تردد به ۱۸ در شب یلدا گفت: قرار نیست روزهای ۲۹ و ۳۰ آذر تعطیل شود و فقط کاهش ساعت تردد از ۲۱ به ۱۸ برای جلوگیری از برگزاری دورهمی‌های شب یلدا، در ستاد ملی مقابله با کرونا مطرح و بررسی می‌شود و احتمالاً در ستاد ملی مقابله با کرونا درباره محدودیت‌ها برای شب یلدا تصمیم‌گیری می‌شود.

یادداشت

به فاصله‌گیری اجتماعی پایان دهید!

دکتر حسین امامی
مدرس ارتباطات

فاصله‌گیری اجتماعی راهکاری بود که ابتدا از سوی سازمان بهداشت جهانی برای کنترل شیوع بیماری کووید۱۹ اعلام شد. در ایران و جهان، از همان روزهای اول جامعه شناسان و صاحبنظران علوم ارتباطات اجتماعی، از به کار بردن این اصطلاح انتقاد کردند و پیشنهاد دادند از عبارت «فاصله‌گذاری فیزیکی» سخن بگویید. آنها هشدار دادند عدم برداشت صحیح از این اصطلاح موجب می‌شود پس‌از مدتی به ارتباطات اجتماعی و سلامت روان ما آسیب برسد چرا که فاصله‌گیری اجتماعی این حس را ایجاد می‌کند که مردم باید ارتباطات خود را قطع کنند. در حالی که انسان به ارتباطات اجتماعی زنده است و باید تا جایی که می‌توانیم روابط اجتماعی خود را حفظ کنیم. صاحبنظران روانشناسی اجتماعی نیز تأکید داشتند: باید برای حفاظت از سلامت جسم خود فاصله‌گیری فیزیکی را رعایت کنیم اما سلامت روان نیز مهم است و انزوای اجتماعی برای سلامت روان مناسب نیست.

این انتقادها به لحاظ مفهومی هم درست بود چرا که فاصله فیزیکی با متر یا سانتی‌متر اندازه‌گیری می‌شود ولی فاصله اجتماعی به مرزهای اجتماعی بین افراد اشاره دارد. بالاخره سازمان بهداشت جهانی هم رسماً با این تغییرنام موافقت و اعلام کرد: برای مقابله با کرونا حفظ فاصله فیزیکی «کاملاً ضروری» است و منظورمان این نبوده که از نظر اجتماعی از نزدیکان و بستگان خود جدا شویم پس می‌خواهیم مردم همچنان در ارتباط باشند.

اما در ایران باوجود نقدهایی که در رسانه‌ها شد کسی آن را جدی نگرفت و هنوز در خبرها و اطلاعیه‌ها از این عبارت استفاده می‌شود. حتی یکی از مقامات در وزارت بهداشت که مرتبط با حوزه جامعه و رسانه و افکار عمومی است در مصاحبه‌ای گفت: «ممکن است افرادی به ادبیات علاقه داشته باشند و از اسامی دیگری مثل فاصله‌گذاری فیزیکی استفاده کنند، اما برای ما اسم مهم نیست!» اما این موضوع فقط بحث ادبیات و سلیقه نبود. اتفاقاً یک موضوع بسیار جدی و قابل تأملی است که کسانی که علوم اجتماعی خوانده‌اند اهمیت آن را بیشتر درک می‌کنند. فاصله‌گذاری اجتماعی، گفتمانی در جامعه ایجاد کرد که متأسفانه این گفتمان‌سازی چه بخواهیم و چه نخواهیم اثرات خودش را بر روابط و تعاملات روزمره ما گذاشته است.

امروزه اکثریت مردم برای رعایت کردن اصل فاصله‌گذاری اجتماعی، ارتباطات خود را با نزدیکان و بستگان به حداقل رسانده‌اند و با همان آشنایان و دوستان هم گروهی در شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی وقت‌شان را می‌گذرانند. پس فضای مجازی و ارتباطات دیجیتال برای پر کردن این فاصله تا حدی به کمک آمد ولی این نوع ارتباط عمق چندانی ندارد و سطحی است و به جرأت می‌توان گفت بخشی از زندگی واقعی روزمره ما برای یک دوره نامشخص از بین رفته است.

این اتفاق تنها برای ما بزرگسالان و تنها برای کشور ما نیست بلکه یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها به کودکان وارد شد و این آسیب‌ها در کشورهای دیگر هم با ضعف و شدت مختلفی وجود دارد. خانم چاوی کارکوسکی (Chavi Karkowsky) که پزشکی ساکن نیویورک است در مقاله‌ای برای نشریه آتلانتیک می‌نویسد: درس‌ها را می‌شود به‌صورت مجازی هم آموخت، اما مدرسه فقط جایی برای آموزش نیست. کرونا بخش ماندگاری از تجربه حضور در مدرسه بچه هایمان را گرفت و از فرصت‌های مهم کودکی و سرزندگی‌شان محروم کرد. او می‌افزاید: مدرسه برای بچه‌ها محلی است که ارتباطاتشان در آنجا به والدینشان وابسته نیست، جایی که می‌کوشند و شکست می‌خورند و بعد می‌کوشند و موفق می‌شوند و هر روز به‌دنبال کشف خود می‌روند.

در بزرگسالان نیز این فاصله گذاری‌ها، انزوای اجتماعی را به‌دنبال دارد. خانم اولیویا لِینگ (Olivia Laing) نویسنده کتاب شهر تنها و منتقد فرهنگی انگلیسی در ترسیم این روزهای کرونایی می‌گوید که پیش از هر زمان دیگری تنهاییم. البته منظور او از تنهایی صرفاً اشاره به فاصله گذاری‌های اجتماعی و کم شدن دید و بازدیدها و دورهمی‌ها نیست چرا که شاید در میان جمع باشیم ولی تنهایی به سراغ‌مان بیاید. بلکه تنهایی فقط وقتی سراغمان می‌آید که که نیاز صمیمیت، نزدیکی و پیوند اجتماعی برآورده نشود.

بنابراین برای ایجاد این همدلی باید طرحی نو در اندازیم. وظیفه دولتمردان و حاکمیت، کنترل سریع‌تر شیوع کروناست. اما ما هم از نقش اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی خود غافل نشویم. خصوصاً کاربران فضای مجازی بویژه اینفلوئنسرها در رسانه‌های اجتماعی می‌توانند چالش‌های خلاقانه‌ای را طراحی کنند؛ چالش‌هایی که نقش تربیتی داشته باشد.

همچون کمک به نیازمندان یا سرکشی و خرید اقلام مورد نیاز سالمندان توسط جوانان یا مواردی که بتواند کمکی باشد برای دلگرمی و دلخوشی اقشار مختلف جامعه در این بحران اقتصادی و گرانی ها. از پدر و مادر و اقوام و بستگان خود شروع کنیم. به فاصله‌گیری اجتماعی باید پایان داد و فاصله‌گذاری فیزیکی را باید جایگزین آن کرد و به فکر احیای مجدد صمیمیت و پیوند اجتماعی در ارتباطات خویشاوندی و جامعه باشیم حتی با یک تماس تلفنی صمیمانه.